عکس: رضا دقتی/ ایبنا

مصطفی مهرآیین در گفت‌وگو با «شرق»:

این نسل می‌خواهد جامعه را با صلح، آشتی و گفت‌وگو پیش ببرد

الهام یوسفی: بیش از یک ماه است کشور با اعتراضات خیابانی که جرقه آن با فوت مهسا امینی دختر ۲۲ ساله اهل سقز زده شد، مواجه است. بااین‌حال همچنان نخبگان سیاسی و فکری نتوانسته‌اند تحلیل روشنی از این اعتراضات با حوادث داشته باشند. تاریخی: فقدان مشارکت سیاسی، مشارکت فرهنگی و مشارکت اقتصادی و... مسائلی هستند که به‌عنوان علل مطرح شده است. اما آیا این حوادث بی‌ارتباط با اعتراضات گذشته است و به تعبیر برخی افراد آیا این فقط هیجانات نسل ۸۰ یا همان دهه ۸۰ است که تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته و حالا به این شکل خود را نشان داده است؟ آیا نارضایتی‌های معترضان کاذب است و بعد از مدتی فروکش می‌کند؟ واقعیت امر چیست و چگونه باید با این نسل و مطالبه آنها برخورد کرد؟ مصطفی مهرآیین، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این اعتراضات ریشه در حوادث و نارضایتی‌های گذشته دارد و مطالبه این نسل مطالبه دوستی و دیگرخواهی است. مهرآیین معتقد است که شعار «زن، زندگی، آزادی»، جنبش احیای عشق، دوستی، روابط انسانی و دیگرخواهی است. برای تحلیل جامعه‌شناسی اعتراضات اخیر و مطالبه آنها با این استاد دانشگاه گفت‌وگو کرده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

◆ بیش از یک ماه است که اعتراضات و حوادث اخیر در کشور ادامه پیدا کرده و تفاوت آن با دوره‌های قبل این است که هم طولانی‌تر بوده و هم در آن با حضور گسترده نسل جوان و مطالباتی که بیان می‌کنند، روبه‌رو هستیم. نکته مهمی که این روزها با آن مواجهیم این است که هم تحلیلگران سیاسی و اجتماعی تاکنون نتوانسته‌اند تحلیل روشنی از این اعتراضات ارائه کنند و هم در سوی دیگر نخبگان سیاسی ترجیح داده‌اند سکوت کنند. شما این حوادث را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا قابل پیش‌بینی بود؟

بله من هم چنین چیزی در فضای سیاسی و فکری کشور می‌بینم. تحلیلگران یا سکوت اختیار کرده‌اند یا با شگفتی و تعجب به اتفاقات موجود نگاه می‌کنند و چنان با تعجب به این رویداد بزرگ نگاه می‌کنند که تا مرز «غیرقابل‌تحلیل دانستن» آن پیش می‌روند. از نکاه من وقوع این رویدادها چندان عجیب و غیرقابل پیش‌بینی نبوده است. این به نگاه شما به تاریخ برمی‌گردد. به نظر می‌رسد نگاه بیشتر تحلیلگران به تاریخ یک نگاه خطی و مستقیم است و به همین دلیل نمی‌توانند این حوادث را ادامه شرایط قبلی کشور بدانند و به همین دلیل با یک شگفتی بزرگ روبه‌رو شده‌اند. اما اگر نگاه شما به تیغ متفکرانی مثل فوکو یا روبرت وسنو و منصور معدل نگاه غیرخطی و ایزودیک به تاریخ باشد می‌بینید که وقوع چنین رویدادهایی در تاریخ یک جامعه چندان عجیب نیست. ایزودیک‌بودن تاریخ یعنی گسسته و ناسامنه‌بودن تاریخ. ایزودها دوره‌های تاریخی دارای منطق خاص خود هستند که با دوره‌های زمانی قبل و بعد از خود متفاوتاند. ایزودهای جدید تاریخی با همان دوره‌های تاریخی جدید ماند «امر واقع» لکان هستند که یک‌باره ظهور می‌کنند و نظم موجود را به هم می‌ریزند و کل معادلات و محاسبات فکری موجود را مستقیم می‌کنند. به همین دلیل باید به تاریخ ایران از عصر مشروطه تاکنون به شکل «ایزودیک» (دوره‌های تاریخی گسسته) نگاه کرد. ببینید اگر شما برای تلال انقلاب مشروطه، بروز و ظهور رضاخان، ملی‌شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب سفید، انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق، دوران سازندگی، دوره اصلاحات، احمدی‌نژاد و ویژگی‌هایی که بر جامعه ایران عارض کرد، هرکدام یک ایزود هستند. همچنین دوره حسن روحانی و شانیا کنونی که با درحال‌حاضر در آن به سر می‌بریم، یک ایزود خاص هستند. به همین دلیل انقلابات تاریخی همیشه نسبت به قبل از خود شگفتی‌آفرین هستند.

همان‌طورکه دوران مشروطه نسبت به قبل از خود شگفتی‌آفرین بود. این یک امر عجیب نیست. مگر آنکه نگاه خطی به تاریخ داشته باشید که البته یک نگاه غلط و نادرست است.

◆ پس شما وقوع امروز را یک ایزود جدید در تاریخ تحولات ایران می‌دانید؟

بله. به عقیده من همواره اگر در بستر دوره تاریخی جدید یا ایزود جدید به دقایق و لحظات قبل از آن نگاه کنید یا یک شکفتی بزرگ روبه‌رو هستید.

◆ تحلیل شما از این ایزود جدید چیست؟

ایران در واقع در همه این ایزودها که از آنها یاد کردیم یعنی از عصر مشروطه تاکنون در هر دوره‌ای یک بحران در نظم اخلاقی به زبان دورکیم یا به اصطلاح امروزی‌تر به یک بحران در نظم فرهنگی مواجه بوده است. مفهوم «نظم فرهنگی» که از سوی روبرت وسنو جامعه‌شناس تاریخی فرهنگ آمریکایی مطرح شده مفهومی است که می‌توان با استفاده از آن به خوبی به تحلیل شرایط تاریخ معاصر ایران و وضعیت امروز جامعه پرداخت. به باور روبرت وسنو، هر نظم اخلاقی مرکب از یک هسته یا کانون یا مرکز است که در خود سه دوگانه و به زبان من چهار دوگانه جای داده است. این هسته در دوقالب خود را تجلی بیرونی می‌بخشد که همان «مناسک» و «ایدئولوژی»ها هستند. مناسک و ایدئولوژی‌ها نیز خود را در قالب متون، نهادها و فرایندهای اجتماعی در معنای عام آن آشکار می‌کنند و بروز بیرونی می‌یابند. دوگانه‌های «وسیله و هدف»، «انسان مطلوب و انسان موجود»، «امور اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر» و نیز «پاکی و ناپاکی» چهار دوگانه موجود در هسته هر نظم فرهنگی و اخلاقی است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم.

بنابراین در «هسته» و «کانون» هر نظم فرهنگی ابتدا یک دوگانه هدف و وسیله وجود دارد. یعنی شما در درون هسته یک نظم فرهنگی، اهداف یک جامعه را مشخص می‌کنید و وسیله‌ها هم برای تحقق هدف مشخص می‌شود. بنابراین نظم فرهنگی هدف و وسیله از مهم‌ترین ویژگی‌هایی هستند که در درون هر نظم فرهنگی وجود دارد.

ویژگی دوم: انسان مطلوب و انسان موجود است. وسنو می‌گوید در درون هر نظم فرهنگی این دوگانه وجود دارد که انسان موجود درون کدام انسان و انسان مطلوب درون کدام است. برای مثال اگر نزد یک کارگر بروید و از او بپرسید که او کیست پاسخ می‌دهد که من الان یک کارگر هستم اما دوست داشتم یک مهندس یا پزشک باشم؛ این می‌شود انسان مطلوب از نگاه کارگر. از نظر تاریخی هر نظم این صورت است یعنی در زمان مشروطه انسان موجود همان افرادی هستند که در آن مقطع زندگی می‌کنند اما انسان مطلوب در نظم فرهنگی مشروطه فردی قانون‌مدار، ظلم‌ستیز و آشنا به حقوق خود و وطن‌پرست است. اما انسان مطلوب در زمان ملی‌شدن صنعت نفت متفاوت است؛ یعنی انسان مطلوب این دوران تحت‌ماید باید ناسیونالیست باشد که مهم‌ترین وجه آن ناسیونالیسم اقتصادی است. در دهه ۶۰ انسان موجود، اکثریت مردم ایران بودند که انقلاب ۵۷ را پشت سر گذاشتند. در مقابل در همین دهه انسان مطلوب با عناوینی همچون انقلابی، رزمنده، بسیجی و مدافع انقلاب شناخته می‌شود که از منظر نظم سیاسی موجود نیز پذیرفتنی هستند.

دوگانه سوم، اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیری است. روبرت وسنو در اینجا می‌گوید در هر دوره تاریخی در واقع باید روشن شود که چه اندازه امور تحت کنترل انسان هستند (اجتناب‌پذیر) یعنی تحت کنترل عقل و اراده آدمی. اما در همان دوره اموری وجود دارد که اجتناب‌ناپذیرند که امور قراردادی و الهی نام دارند، یعنی از حیطه اختیار انسان خارج‌اند.

و اما دوگانه چهارم که من آن را از بحث فوکو و مری دالگاس و جغری الکساندر گرفته و به بحث وسنو اضافه می‌کنم، دوگانه «پاکی و ناپاکی» است، یعنی در هر نظم اخلاقی تعریف می‌شود که کدام امور پاک و کدامیک آلوده هستند. این مهم‌ترین نکته‌ای است که امروز در وضعیت جامعه ما باید به آن دقت کرد.

به طور خاص شما فیلم «توبه نصوح» محسن مخملباف را که نگاه می‌کنید، می‌بینید که آن فرد سرمایه‌دار در دهه ۶۰ به‌عنوان یک فرد ناپاک شناخته می‌شود که خون مردم را مکیده و از راه ربا و دزدی به این سرمایه رسیده که باید از جامعه طرد شود. بنابراین این فرد باید توبه کند چراکه مکانیسم این پاک‌شدن همان توبه است. در بحث جهانی نیز می‌بینیم که هیتلر در رابطه با یهودیان همین بحث را داشت و معتقد بود که آنها ناپاک هستند و باید جامعه اروپا را از وجود این افراد آلوده پاک کرد.

◆ این نظم فرهنگی که شما از آن نام می‌برید کجا خودش را نشان می‌دهد یا به تعبیری نمود عینی پیدا می‌کند؟

همان‌گونه‌که در بالا اشاره شد این چهار دوگانه در «هسته» نظم اخلاقی وجود دارند. که در ایدئولوژی‌ها و مناسک خودشان را به نمایش می‌گذارند. ایدئولوژی در زبان افرادی مانند روشنفکران عضو مشروطه، کسروی عصر رضاشاه، مصدق، شریعتی، مطهری و آیت‌الله خمینی نمود عینی پیدا می‌کند که بعدها افرادی مانند سروش و ملکیان و امثال اینها به آن اضافه می‌شوند. بنابراین نظم فرهنگی در ایدئولوژی‌ها خودش را نشان می‌دهد. این روشنفکران، سلبریتی‌ها، روشنفکران دینی، هنرمندان، شاعران و استادان دانشگاه هستند که نظم فرهنگی را از حالت انتزاعی خارج می‌کنند.

مناسک، دومین جایی است که چهار دوگانه نظم فرهنگی خودش را در آنجا نشان می‌دهد. این مناسک می‌تواند مدرن باشد؛ مانند جشن تولد، جشن طلاق یا جراحی زیبایی یا سنتی باشد مانند روزه‌گرفتن عزاداری‌ها، نذری‌دادن و... .

اما نباید فراموش کنیم که این ایدئولوژی‌ها و مناسک برای خودشان نهاد می‌سازند و درنهایت تبدیل به فرایندهای اجتماعی می‌شوند. یعنی مناسکی مانند ماه رمضان برای خودش مسجد یا سازمان تبلیغات اسلامی می‌سازد یا کشت مبارزه با روزه‌خواری ایجاد می‌کند. ایدئولوژی‌ها و مناسک قطعا بعد نهادی پیدا می‌کنند و تبدیل به فرایندهای اجتماعی می‌شوند. بنابراین مجموعه قوانین و مقررات و کنش‌ها برای دفاع از آن مناسک تعریف می‌شوند.

ایدئولوژی‌ها نیز به این صورت عمل می‌کنند و خود را تبدیل به نهاد و فرایند اجتماعی می‌کنند. یعنی قانون و فرایند ایجاد می‌کنند. برای مثال ایدئولوژی انقلاب اسلامی در قانون اساسی، شورای نگهبان و مجلس نمایندگان و... تجلی پیدا کرد؛ بنابراین ما در هر دوره تاریخی یک نظم اخلاقی- فرهنگی داریم که چهار دوگانه دارد که در مناسک و ایدئولوژی‌ها وارد شده و خود این دو در نهادها و فرایندها تجلی پیدا می‌کنند. این امر به شکل ایزودیک یا گسسته بیش می‌رود و نباید خطی به آن نگاه کرد.

حالا اگر بخواهیم سال‌های پس از انقلاب تا دوره فعلی را با نگاه ایزودیک و مبتنی بر مفهوم «بحران در نظم اخلاقی» تحلیل کنیم، باید این‌گونه سخن گفت: بعد از انقلاب هدف ما دفاع از اسلام است، پس وسیله آن تحقق حکومت مبتنی بر ولایت فقیه است. انسان موجود همان افراد هستند؛ اما انسان مطلوب می‌شود انسان جراب‌اللهی که ویژگی‌هایی خاص دارند از چهره و ظاهرشان گرفته تا نحوه لباس‌پوشیدن تا نگاه‌شان به ثروت و تأکید بر کوچ‌نشینی و همچنین اعمال و مناسک مذهبی. امور اجتناب‌ناپذیر تا بی‌نهایت است همان‌طوری که امام خمینی می‌گویند همه چیز دست خداوند است. هدف دانشگاه نیز برای تربیت انسان است؛ چراکه منبع معرفت خداوند است. امر پاک در این دوره امر انقلابی و مورد تأیید نظام سیاسی جمهوری اسلامی است و آنچه مورد تأیید نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیست؛ ازجمله بی‌حجابی، رباء، خانه مجلل، ماشین گران‌قیمت و... ناپاک شناخته می‌شود. از آن طرف، اما حجاب، سادەزیستی و انجام دستورات و مناسک دینی جزء امور پاک محسوب می‌شوند. این ایزود تا دو سال بعد از انقلاب ادامه پیدا می‌کند تا اینکه جنگ اتفاق می‌افتد.

◆ یعنی مسیر ایزود تغییر می‌کند و باید منتظر تغییرات در امور مختلف باشیم؟

اینجا هدف مبارزه با صدام و استکبار جهانی است که وسیله آن مبارزه و مقاومت است. انسان مطلوب در این ایزود باز همان انسان مبارز و رزمنده است و خانواده مبتنی بر حجاب چیک عمدتا مبتنی بر ایمان و باور فرماندهی می‌شود. اینجا حیطه امور اجتناب‌ناپذیر و الهی و والاست. امر الهی صدام و خائنانی هستند که با صدام همکاری می‌کنند مانند مجاهدین خلق (منافقین).

اما شما نقطه پایان این ایزود را می‌توانید در فیلم آژانس شیشه‌ای ببینید. آژانس شیشه‌ای به شما می‌گوید که یک‌دفعه از سال ۱۳۶۸ با ظهور دوستان سازندگی که مجاری جنگ و این اتفاقات تمام می‌شود که این خوب شروع یک ایزود جدید است. چه اتفاقی می‌افتد. جواب مشخص است. در این فیلم مردم افراد برگشته از جبهه و جنگ را نمی‌فهمند و حتی در این فیلم نماینده دولت از این دو رزمنده می‌خواهد که هرچه زودتر به این ماجرا پایان دهند؛ چراکه دولت در حال مذاکره با کشورهای دیگر است برای سازندگی ایران. در واقع این فیلم بیانگر یک ایزود جدید به نام سازندگی است. اینجا هدف سازندگی و وسیله نیز انجام فرایند توسعه است که ناگزیر باید در آن به توسعه دانشگاه‌ها و تربیت نیروی متخصص برای ورود به بدنه دولت پرداخت تا کشور را در مسیر سازندگی قرار دهد.

در این بخش انسان موجود فردی است از جبهه برگشته است؛ اما انسان مطلوب یک فرد بوروکرات است؛ به‌همین‌دلیل فردی مانند کرباسچی از اصفهان آورده و به‌عنوان شهردار تهران معرفی می‌شود.

بنابراین انسان مطلوب یک فرد تحصیل‌کرده مدیر است که به دنبال ایده رشد و توسعه است و قادر به ارائه توسعه کشور کمک کند.

در این ایزود امور اجتناب‌ناپذیر کم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند و به تعبیر وبر براساس عقلانیت مدرن تصمیم گم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند؛ بنابراین دامنه امور اجتناب‌پذیر گسترده می‌شود و به اراده و عقل انسان اراده آورده می‌شود. گسترش دانشگاه‌ها نمادی از همین امور اجتناب‌پذیر است. اینجا بول ارزش محسوب می‌شود و دیگر ناپاک نیست. کت و شلوار برخلاف دهه ۶۰ ناپاک نیست؛ زنان خارجی و سینما جزء امور پاک محسوب می‌شود. دیگر نشان‌دادن زنان اینا بیانگر ناپاکی نیست و اصولا جزئی از نظم موجود است.

◆ در این دوره چگونه این امور وارد ایدئولوژی می‌شوند؟

ایدئولوژی از سوی روشنفکران مختلف مانند عبدالکریم سروش و ادامه شاگردان شریعتی یا از آن طرف حسین بشیریه، سیدجواد طباطبایی، موسی غنی‌نژاد و یوسف اباذری تجلی عینی پیدا می‌کند. مصطفی ملکیان را داریم که از حوزه بیرون آمده و وارد فلسفه اسلامی می‌شود. رضا داوری‌اردکانی را داریم که کاملا با اردکانی دهه ۶۰ متفاوت است. همچنین از آن سو مناسک زیادی به قبلی‌ها اضافه می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها مناسک کنکور است. در واقع کنکور بزرگ‌ترین مناسک از آن دوره تاکنون است که به شکل مدرن همچنان ادامه دارد. همچنین جشن تولد و ظهور استادیوم‌های بزرگ و مناسک طرفداری از تیم‌های بزرگ به مجموعه مناسک معمول جامعه اضافه می‌شود. البته مناسک سنتی را هم ما در کنار اینها داریم؛ بنابراین قوانین به سمتی می‌روند که فرایند توسعه را ایجاد کنند؛ به طوری که ما تغییر در قوانین تجارت، بازار و بانک‌ها را نیز شاهد هستیم. ایدئولوژی هم خودش را در دانشگاه می‌بیند؛ عبدالکریم سروش و کانون توحید، سروش و مسجد امام صادق، سروش و دانشکده علوم اجتماعی. نشر نیز گسترش پیدا می‌کند و میدان انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین محل ترافیک سیاسی و اجتماعی شناخته می‌شود.

این فرایند در دولت اقاتی خاتمی ادامه پیدا می‌کند، با این تفاوت که ایزود تازه‌ای شروع می‌شود که این باز هدف اصلاحات سیاسی است، نه اقتصادی؛ وسیله تحقق آن جیست؟ ابتدا ارائه یک تفسیر رحمانی از دین اسلام که آزادی بیان و پس از بیان را بتواند تضمین کند؛ وسیله دیگر گسترش احزاب و مشارکت مدنی و برگزاری انتخابات شوراهاست. انتخابات مجلس کنشگر سیاسی و اجتماعی است. کسی است که در انتخابات مشارکت داشته باشد. این ایزود زنان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و البته خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز اهمیت پیدا می‌کنند. انواع مسابقات علمی و المپیادها شکل می‌گیرد.

باز در این ایزود امور اجتناب‌پذیر دامنه‌اش گسترده می‌شود و به نوعی بحث‌ها سکولارتر می‌شوند. امر ناپاک اینجا هنوز همان است که در فضای سنتی وجود دارد؛ مانند بی‌حجابی درغیرحال به امور پاک اضافه می‌شود؛ یعنی فعال‌بودن در فضای سیاسی و اجتماعی امری پاک محسوب می‌شود. در اینجا جامعه، افراد بی‌اعتنا به امور سیاسی و اجتماعی را ناپاک می‌دانند و همگی در تلاش هستند تا در مباحث جامعه مشارکت داشته باشند.

در این دوره مهم‌ترین مناسک در کنار کنکور، انتخابات است که ما انتخابات شوراها را در این دوره برای اولین بار شاهد هستیم؛ یعنی دروافع مناسک مربوط به مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند.

احزاب به وجود می‌آیند و عضوگیری شکل می‌گیرد و نمایندگی‌های استانی این احزاب به وجود می‌آیند و جمع‌گرایی را مثلا می‌توانید در فیلم «سعادت‌آباد» به‌خوبی مشاهده کنید. در مقابل این تجلی جمع‌گرایی، البته ما با شکل درست جمع‌گرایی نیز روبه‌رو هستیم که یعنی میل به نیکوکاری، همدیگر را دوست داشتن و همدیگر را بیشتر دوست داشتن. میل به مشارکت سیاسی، میل به مشارکت فرهنگی، میل به فعالیت در فضای عمومی، میل به دیدن امور اجتماعی. اینها تودای‌کردن مردم را شکل داد. به لحاظ ایدئولوژی هم می‌بینیم که متفکران کلیدی جامعه همه کنار گذاشته می‌شوند و افرادی سطحی ظهور می‌کنند. اینها در واقع جایگزین ایدئولوگ‌های قبلی می‌شوند. انقلاق تازه‌ای که در این دوره رخ می‌دهد، این است که فضای پویای ایدئولوژیک جامعه کاملا بسته می‌شود و به جای نسر متونی که می‌توانست بیانگر اندیشه‌هایی نو باشد، بیشتر به سمت صنعت ترجمه حرکت می‌کنیم.

◆ واکنش جامعه به این ایزود چیست؟ یعنی چگونه خودش را در دورن جامعه نشان می‌دهد؟

در واقع این دوران، دوران پوپولیسم اجتماعی است؛ پوپولیسم دو وجه دارد؛ وجه نخست آن از هم گسیخته‌شدن جامعه است که تجلی آن را می‌توان در گسترش فردمحوری، گسترش عقلانیت ابزاری، گسترش فساد، گسترش ازهم‌پاشیدگی خانواده و طلاق و افزایش میل به کشش فردی، گسترش مصرف مواد مخدر و مسئلهٔ مربوط به آن، گسترش منازعات و مجادلات اجتماعی، متفنن‌شدن مشارکت مدنی، متفنن‌شدن گفت‌وگو و رابطه در جامعه و متفنن‌شدن نیکوکاری و امر خیر مشاهده کرد. در چنین شرایطی جامعه میل عجیبی به ایجاد «جمع» و ایجاد رابطه‌های اجتماعی پیدا می‌کند که این جهت می‌تواند دو شکل انحرافی یا درست پیدا کند. شکل انحرافی ایجاد جمع و رابطه را مثلا می‌توان در مواد مخدر دیدن، در توهای مصرفانی صرفا منفی در بوتکدرانی جمعی، در توهای کمونودری که در آن فقط روابط موقت انسانی شکل می‌گیرد یا در میل به رفتن به استادیوم و شهرداری جمعی یا حتی در اعتراض سیاسی همراه با خشونت مشاهده کرد.

شما وجود این اشکال منفی رابطه و جمع‌گرایی را مثلا می‌توانید در فیلم «سعادت‌آباد» به‌خوبی مشاهده کنید. در مقابل این تجلیل جمع‌گرایی، البته ما با شکل درست جمع‌گرایی نیز روبه‌رو هستیم که یعنی میل به نیکوکاری، همدیگر را دوست داشتن و همدیگر را بیشتر دوست داشتن. میل به مشارکت سیاسی، میل به مشارکت فرهنگی و ادبی و فلسفی، میل به دیدن امور اجتماعی. نشر نیز گسترش پیدا می‌کند و میدان انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین محل ترافیک سیاسی و اجتماعی شناخته می‌شود.

این فرایند در دولت اقاتی خاتمی ادامه پیدا می‌کند، با این تفاوت که ایزود تازه‌ای شروع می‌شود که این باز هدف اصلاحات سیاسی است، نه اقتصادی؛ وسیله تحقق آن جیست؟ ابتدا ارائه یک تفسیر رحمانی از دین اسلام که آزادی بیان و پس از بیان را بتواند تضمین کند؛ وسیله دیگر گسترش احزاب و مشارکت مدنی و برگزاری انتخابات شوراهاست. انتخابات مجلس کنشگر سیاسی و اجتماعی است. کسی است که در انتخابات مشارکت داشته باشد. این ایزود زنان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و البته خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز اهمیت پیدا می‌کنند. انواع مسابقات علمی و المپیادها شکل می‌گیرد.

باز در این ایزود امور اجتناب‌پذیر دامنه‌اش گسترده می‌شود و به نوعی بحث‌ها سکولارتر می‌شوند. امر ناپاک اینجا هنوز همان است که در فضای سنتی وجود دارد؛ مانند بی‌حجابی درغیرحال به امور پاک اضافه می‌شود؛ یعنی فعال‌بودن در فضای سیاسی و اجتماعی امری پاک محسوب می‌شود. در اینجا جامعه، افراد بی‌اعتنا به امور سیاسی و اجتماعی را ناپاک می‌دانند و همگی در تلاش هستند تا در مباحث جامعه مشارکت داشته باشند.

در این دوره مهم‌ترین مناسک در کنار کنکور، انتخابات است که ما انتخابات شوراها را در این دوره برای اولین بار شاهد هستیم؛ یعنی دروافع مناسک مربوط به مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند.

احزاب به وجود می‌آیند و عضوگیری شکل می‌گیرد و نمایندگی‌های استانی این احزاب به وجود می‌آیند. تمایل مطلوب فرد فقط تحصیل‌کرده مدیر است که به دنبال ایده رشد و توسعه است و قادر به ارائه توسعه کشور کمک کند.

در این ایزود امور اجتناب‌پذیر کم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند و به تعبیر وبر براساس عقلانیت مدرن تصمیم گم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند؛ بنابراین دامنه امور اجتناب‌پذیر گسترده می‌شود و به اراده و عقل انسان اراده آورده می‌شود. گسترش دانشگاه‌ها نمادی از همین امور اجتناب‌پذیر است. اینجا بول ارزش محسوب می‌شود و دیگر ناپاک نیست. کت و شلوار برخلاف دهه ۶۰ ناپاک نیست؛ زنان خارجی و سینما جزء امور پاک محسوب می‌شود. دیگر نشان‌دادن زنان اینا بیانگر ناپاکی نیست و اصولا جزئی از نظم موجود است.

◆ در این دوره چگونه این امور وارد ایدئولوژی می‌شوند؟

همبستگی ملی و... .

خب در اینجا دو واکنش در مقابل این ایزود وجود دارد؛ یکی این است که می‌گوید آن را باید حمایت کرد که تجلی آن می‌شود ادامه دولت احمدی‌نژاد در دولت ابراهیم رئیسی یا انتخابات مجلس دوازدهم. اما واکنش دیگری نیز وجود دارد که می‌گوید دولت احمدی‌نژاد را باید کنترل کرد. اینجاست که ایزود اعتدال به وجود می‌آید. اینها می‌دانند که ایزود احمدی‌نژاد مورد توجه کلان در سطح جامعه و حاکمیت است؛ اما می‌خواهند آن را کنترل کنند.

در واقع دولت حسن روحانی یک ایزود کوتاه هشت‌ساله است که می‌خواهد جلوی ایزود ارتجاعی دولت بهار را بگیرد. هدف «اعتدال» و وسیله آن هم «گفت‌وگو» بین احزاب و جناح‌های مختلف است. انسان مطلوب فردی است که معتدل و بوروکرات باشد. البته بوروکرات‌هایی که دیدگاه‌های انتقادی خود را بروز ندهند. یعنی بوروکرات‌هایی متفاوت با دولت سازندگی. اعتدال در امور اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر وجود دارد. مهم‌ترین پاکی اعتدال است یعنی رضایت همه را جلب کنید و نقد تند نداشته باشید. ناپاکی همان انحراف است که در دولت احمدی‌نژاد شروع شد. در واقع دولت حسن روحانی یک روکش بسیار سطحی و ناکارآمد بر ادامه ایزودی است که از دوران احمدی‌نژاد شروع شده و ما همچنان گرفتار آن هستیم و تجلی آن را در دولت رئیسی شاهد هستیم.

با این توصیف ایزود احمدی‌نژاد یا همان برگشت به عقب باعث شد مسیر توسعه متوقف شود و دو ایزود بعدی هم به نوعی نتوانست ماشین توسعه را به حرکت درآورد. تبعات این ایزود همچنان کلوی جامعه را می‌فشارد. شما آن را چگونه می‌بینید؟ آیا این اعتراضات می‌تواند شروع یک ایزود جدید در مقابل آن باشد؟

شما وقتی در دولت احمدی‌نژاد گرفتار گفتمان آخرالزمانی می‌شوید، به سمت جهانی‌شدن می‌روید و نیز پاکدانستن در فرانند. تحریم با تکیه بر همان ایده. آن چیزی که اتفاق می‌افتد این است که سیاست، «جامعه» را فراموش می‌کند و آن را نادیده می‌گیرد. یعنی از ایزود احمدی‌نژاد به بعد، دولت اصولا چشم خود را روی جامعه بسته و آن را نمی‌بیند. یعنی ما از این ایزود به بعد، حالا با روکش روحانی یا رئیسی، جامعه را دوباره به عصر گذشته برگردانده‌ایم. در عصر گذشته مهم‌ترین ویژگی نامرئی‌شدن و نامرئی‌بودن جامعه است. یعنی جامعه نه باید در شعر دیده شود نه نقاشی، نه ادبیات، نه فیلم و حتی در فضای روشنفکری و آمار نباید وجود داشته باشد.

◆ در این نادیده گرفته‌شدن، جامعه چه واکنشی داشته و به کدام سمت حرکت کرده است؟

جامعه گرفتار یک برادکدی و گسست کامل است. همبستگی، انسجام و پیوستن به ارزش‌ها و آرمان‌ها افول یافته است. آدم‌ها تنها و منزوی هستند. ناخودآگاه مردم فعال شده. پس این جامعه گسسته یک جاهایی خودش را پیدا می‌کند. چراکه آن افتخار می‌کردند و در تاریخ خود با آن زندگی می‌کردند بعد از دهه ۶۰ و ۷۰ ایران به آن افتخار می‌کردند و در تاریخ خود با آن زندگی می‌کردند بعد از دهه ۶۰ و ۷۰ گوارزنتی داشتند؛ حتی بعدها به‌عنوان یک بزرگسال. پس در عوض خانه را به محلی امن تبدیل کنید که نوجوان بتواند از فشارهای دنیای بیرون برای استراحت و بازیابی نیرویش به آن مراجعه کند.

◆ نوجوان را به حال خود رها نکنید

با وارددشدن کودکان به سالهای نوجوانی و آن‌طور که به نظر می‌رسد، میل آنها به تنهایی، مرتکب بزرگ‌ترین اشتباه می‌شویم و تنهاشان می‌گذاریم. هرچه باشد وقتی نوجوانی گستاخ که مثل یک موجود خطرناک در اتاق محافظ می‌گردد و به دنبال دردسر است، راحتی افاقش می‌شود. می‌توانید نفس راحتی بکشید؛ اما اگر اجازه بدهید فاصله میان جامعه با نوجوان‌تان زیاد شود. نمی‌توانید در زمان لازم که بیشتر از هر وقت در خطر مشاهده می‌کنید، تقریبا به اینترنت، اختلالات خوردن و آسیب‌زدن به خودش قرار می‌گیرد. به کمک او بروید. هرچه زمان کمتری با آنها بگذرانید، آنها بیشتر احساس «غریبگی» خواهند کرد و رفتارهای بیشتر دور خواهد شد. اگر احساس صمیمانه نکنند، آنها به دنبال مردم و احساس مردم را تحویل بگیرد و نشان دهد که به دنبال امور آنهاست. احمدی‌نژاد توده‌ای‌کردن مردم را شکل داد. به لحاظ ایدئولوژی هم می‌بینیم که متفکران کلیدی جامعه همه کنار گذاشته می‌شوند و افرادی سطحی ظهور می‌کنند. اینها در واقع جایگزین ایدئولوگ‌های قبلی می‌شوند. انقلاق تازه‌ای که در این دوره رخ می‌دهد، این است که فضای پویای ایدئولوژیک جامعه کاملا بسته می‌شود و به جای نسر متونی که می‌توانست بیانگر اندیشه‌هایی نو باشد، بیشتر به سمت صنعت ترجمه حرکت می‌کنیم.

اگرچه در دولت حسن روحانی بازار این برگشت کمرنگ شد؛ اما این ایده دنبال می‌شد و همچنان به‌شدت روی آن کار می‌کنند. مناسک این دوره باز سفرهای دورهای به افزایش قیمت بنزین و اتفاقات بعد از آن پیدا می‌کند. در اعتراضات ایدئولوژی از سوی روشنفکران مختلف مانند عبدالکریم سروش و ادامه شاگردان شریعتی یا از آن طرف حسین بشیریه، سیدجواد طباطبایی، موسی غنی‌نژاد و یوسف اباذری تجلی عینی پیدا می‌کند. مصطفی ملکیان را داریم که از حوزه بیرون آمده و وارد فلسفه اسلامی می‌شود. رضا داوری‌اردکانی را داریم که کاملا با اردکانی دهه ۶۰ متفاوت است. همچنین از آن سو مناسک زیادی به قبلی‌ها اضافه می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها مناسک کنکور است. در واقع کنکور بزرگ‌ترین مناسک از آن دوره تاکنون است که به شکل مدرن همچنان ادامه دارد. همچنین جشن تولد و ظهور استادیوم‌های بزرگ و مناسک طرفداری از تیم‌های بزرگ به مجموعه مناسک معمول جامعه اضافه می‌شود. البته مناسک سنتی را هم ما در کنار اینها داریم؛ بنابراین قوانین به سمتی می‌روند که فرایند توسعه را ایجاد کنند؛ به طوری که ما تغییر در قوانین تجارت، بازار و بانک‌ها را نیز شاهد هستیم. ایدئولوژی هم خودش را در دانشگاه می‌بیند؛ عبدالکریم سروش و کانون توحید، سروش و مسجد امام صادق، سروش و دانشکده علوم اجتماعی. نشر نیز گسترش پیدا می‌کند و میدان انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین محل ترافیک سیاسی و اجتماعی شناخته می‌شود.

این فرایند در دولت اقاتی خاتمی ادامه پیدا می‌کند، با این تفاوت که ایزود تازه‌ای شروع می‌شود که این باز هدف اصلاحات سیاسی است، نه اقتصادی؛ وسیله تحقق آن جیست؟ ابتدا ارائه یک تفسیر رحمانی از دین اسلام که آزادی بیان و پس از بیان را بتواند تضمین کند؛ وسیله دیگر گسترش احزاب و مشارکت مدنی و برگزاری انتخابات شوراهاست. انتخابات مجلس کنشگر سیاسی و اجتماعی است. کسی است که در انتخابات مشارکت داشته باشد. این ایزود زنان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و البته خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز اهمیت پیدا می‌کنند. انواع مسابقات علمی و المپیادها شکل می‌گیرد.

باز در این ایزود امور اجتناب‌پذیر دامنه‌اش گسترده می‌شود و به نوعی بحث‌ها سکولارتر می‌شوند. امر ناپاک اینجا هنوز همان است که در فضای سنتی وجود دارد؛ مانند بی‌حجابی درغیرحال به امور پاک اضافه می‌شود؛ یعنی فعال‌بودن در فضای سیاسی و اجتماعی امری پاک محسوب می‌شود. در اینجا جامعه، افراد بی‌اعتنا به امور سیاسی و اجتماعی را ناپاک می‌دانند و همگی در تلاش هستند تا در مباحث جامعه مشارکت داشته باشند.

در این دوره مهم‌ترین مناسک در کنار کنکور، انتخابات است که ما انتخابات شوراها را در این دوره برای اولین بار شاهد هستیم؛ یعنی دروافع مناسک مربوط به مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند.

احزاب به وجود می‌آیند و عضوگیری شکل می‌گیرد و نمایندگی‌های استانی این احزاب به وجود می‌آیند. تمایل مطلوب فرد فقط تحصیل‌کرده مدیر است که به دنبال ایده رشد و توسعه است و قادر به ارائه توسعه کشور کمک کند.

در این ایزود امور اجتناب‌پذیر کم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند و به تعبیر وبر براساس عقلانیت مدرن تصمیم گم‌کم به حاشیه رانده می‌شوند؛ بنابراین دامنه امور اجتناب‌